

پاسخ خودارزیابی های درس اول

۱- هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد، «متن» است. به بیان دیگر، هنگامی که از متن، سخن می گوئیم خواست ما فقط نوشته های روی کاغذ و کتاب نیست. صدایی که می شنویم، بویی که حس می کنیم، رویداد که می بینیم، مزه ای که می چشیم و چیزی که لمس می کنیم؛ هر کدام، متن به شمار می آیند، اگر خوان شوند، به آن ها متن های شنیداری یا خوانداری می گوئیم. در این کتاب مقصود ما از متن، آثار شعر و نثر فارسی است.

۲- در زبان فارسی دو واژه «ادب» و «ادبیات» معمولاً مترادف یکدیگر به کار می روند. در نزد پیشینیان «ادب»، شناختن اموری است که آدمی به وسیله آن، خویش را از هر خطایی حفظ کند». بعدها ادب به دانش هایی اطلاق می شد که آدمیان بدان خود را از خطای در سخن مصون می داشته اند. این دانش ها اقسامی دارد؛ از جمله: صرف و نحو، بدیع، معانی و بیان، قافیه، خط و ... هنوز هم ادیب به کسی می گویند که با شیوه های گوناگون سخن آشنا باشد.

۳- واژگان / معنا و محتوا، // بدیع بیان معانی

۴- متن ادبی است زیرا از کاربرد هنری زبان استفاده کرده است و نویسنده با بهره گیری از شگردهای هنری همچون تشخیص، استعاره، تشبیه و ... به زبان نقشی هنری بخشیده است. همچنین از تکرار موسیقایی آواها و عنصر خیال و احساس بهره گرفته است.

۵- الف) متن الف، خبری است و هدف نویسنده فقط ارتباط و اطلاع رسانی است. متن ب، ادبی است، دارای عنصر خیال و عاطفه است و هم چنین از آرایه های تشبیه، استعاره و تشخیص بهره برده است.

ب) با بهره گیری از استعاره، تشبیه، تشخیص و کاربرد هنری زبان نثر ادبی خلق کرده است. همچنین از تکرار موسیقایی آواها و عواطف و احساس استفاده کرده است.

پاسخ خودارزیابی های درس دوم

۱- یکی از آسان ترین و کاربردی ترین شیوه ها این است که متن از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر، در سه قلمرو بررسی شود: زبانی، ادبی، فکری

۲- متن زبان ساده و قابل فهم دارد، نوشته امروزی است بیشتر از واژگان ساده استفاده شده است مثل: اسطوره، لغت، افسانه، قصه و ... از کلمات غیرفارسی نیز مثل قصه، ظاهراً، تاریخ، مضمون ... بهره برده است. متن ادبی نیست.

۳- شعر منوچهری در قالب مسمط مسدس سروده شده است. بخش اول، واژه های قافیه: خزان، رزان، وزان، رنگ رزان و گزان است. بخش دوم: بیاید، بیاید. ردیف: است

وزن شعر --uu--uu--uu--

شعر از آرایه های لفظی و تناسب های آوایی مثل واج آرایه: خ، ز، ی، در بیت اول، بهره برده همچنین از جناس ناهمسان (مثل: خزان، وزان، رزان و گزان استفاده کرده است. از آرایه تکرار: رزان، گل و چندان هم بهره برده.

۴- تشبیه (آفتاب مثل تشت...): فلک نقاش: تشبیه، فلک: تشخیص، بوم آسمان: تشبیه، زمین مانند روپوش: تشبیه، سربه هم آوردن: کنایه از جمع شدن، اسرار استعاره از تاریکی و سیاهی شب.

۵- با قلمرو فکری، محتوای این بند بحث درس یک است ولی به طور مستقیم با قلمرو فکری ارتباط دارد.

۶- ان الماء اول ما خلق الله. آب اولین چیزی بود که خدا آفرید.

آب از سرچشمه روشن و زلال سرچشمه می گیرد و شاعر خطاب به همگان می گوید این آب زلال و پاک است ما این آب را گل آلود نکنیم زیرا ممکن است در پایین این رود کبوتری در حال نوشیدن آب باشد شاید در پایین تر سیره ای پره های خود را در آب می شوید شاید در آبادی پایین رود یک نفر روستایی کوزه خود را از آب پر می کند تا آن را برای اهل خانه برد. با این اوصاف نباید آب را گل کنیم. زیرا ممکن است این آب سوال و در حال حرکت به سوی سپیداری می رود تا خود را به آن برساند. شاید این آب با تمام زلالی اش اندوه دلی را از بین می برد و به جای آن شادی و نشاط را جایگزین می کند. در پایین دست این آب شاید درویش و انسان

فقیری تکه نان خشکی را درون آب فرو برده است. تا پس از نرم کردن آن، آن را بخورد. شعر با تمام سادگی که در آن به چشم می خورد. دارای روح گسترده و جهان برتری است. در این شعر کوتاه شاعر از شهر گمشده و سرزمین آرمانی اش سخن می گوید. این جهان در نظر او یک روستا است. آب تمثیلی است برای تمام زندگی، گل نشانه نادرستی و کژی است. اکنون شاعر در مقام یک مرشد به همگان می گوید. ای مردم زندگی را با ارزش ببندارید و به آن ارج بگذارید و با چیزهای آلوده کننده و فاسد آن را آلوده نکنید. زیرا انسان هایی وجود دارند که زندگی را دوست داشته و به این زندگی دل خوش هستند. شاعر ما را به آشتی و صلح با طبیعت دعوت می کن. (ذهنی - شادی گرا - اختیارگرا - خوش بینی - فلسفی)

پاسخ خودارزیابی های درس سوم

۱- ۱- نگاهی کلی به متن از آغاز تا انجام «برای کشف لحن» (که لحن شعر روایی - داستانی است)

۱- ۲- یک باره خواندن تمام شعر بدون گسست.

۲- پیش از خواندن دقیق متن نگاهی کلی برای کشف لحن و آهنگ ضروری است. لحن مناسب با حال و هوای شعر، لحن شاد و شوق انگیز است. آهنگ خوانش باید به گونه ای باشد که شنونده شادابی و خوش خبری و بشارت را احساس کند.

۳- کنایه: جبهه وا کرده: کنایه از گشاده رویی، روسفید شدن: کنایه: از عهده کاری خوب برآمدن

تشبیه: چون گل

تشخیص: قطره آب / گل

مثل: دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش

مراعات نظیر: آب، ابر، دریا، قطره / گلشن، گل

پاسخ خودارزیابی ها : درس ۴

۱-الف) کاربرد دستوری: «ی» استمرار به جای «می» در اول / پنداشتی: می پنداشت

- جمله ها کوتاه و قابل فهم

- به کارگیری اندر روی به جای رو در رو

ب) تفاوت در شیوه ی گفتار و رعایت اصل بلاغت کلام و توجه به حال مخاطب و موقعیت سخن است.

۲-قلمرو ادبی: شبکه معنایی میان «آب، گل، سرشتن»

تضاد: آب و گل

بهره گیری از تمثیل: آب و گل تو را نیکو می داشته اند اما لگد کم خورده است برای بیان مفهوم: تربیت صحیح نشدن.

قلمرو فکری: در این حکایت نگرش تعلیمی حاکم است و نویسنده برای بیان مقصود خود «تربیت صحیح» نکته ای را یادآور می شود که خداوند اصل و سرشت نیکو به انسان می دهد، منتهی باید آن را خوب پرورش داد. (مفهوم را نویسنده به چاشنی طنز آمیخته است).

کارگاه تحلیل فصل اول

-۱

موضوع	شرح و توضیح
نوع لحن	روایی - داستانی: با آهنگ نرم و کشش آوایی همراه است لحن باید میل و رغبت شنونده را به شنیدن ادامه آن برانگیزد و شوقی همراه با انتظار در ذهن پدید آورد.
قلمرو زبانی	به کارگیری سرا به جای خانه- جمله ها ساده و کوتاه / کمی واژگان غیرفارسی- زبان شعر ساده و روان
ادبی	به کارگیری آرایه های لفظی: جناس: باک، خاک - قالب شعری: مثنوی: هر بیت قافیه مستقل دارد. قفس: استعاره، تشبیه: همچو پروانه، چون صدف، صدف و در: مراعات نظیر
فکری	از سخنان سقراط حکیم به این نکته می رسیم که خانه عارفان جز خاک نیست؛ یعنی عدم تعلق خاطر به دنیا و ظواهر دنیا دارای یک نکته عمیق معرفتی است در باره ارزش یار یکدل و صاف سخن گفته است
نتیجه گیری و تعیین نوع	عارفان تعلق خاطر به دنیا ندارند کمیاب و نایاب بودن رفیق یکدل نوع آن: تعلیمی- اندرزی

قلمرو ادبی	قلمرو فکری	قلمرو زبانی
۱- تضاد میان شادی و غم	۱- خرج بیش از دخل باعث پشیمانی می شود.	۱- جمله کوتاه است
۲- بهره گیری از تمثیل: اگر باران به کوهستان نبارد/ به سالی دجله گرد و خشک رودی	۲- افرادی که نصیحت بر آن ها تاثیر نمی گذارد به زودی پشیمان می شوند و حسرت می خورند.	۲- کاربرد را به معنی برای در جمله مسلم است کسی را باشد...
۳- استفاده از کنایه: دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی کند		۳- کاربردهای کهن: ملاح

پاسخ خود ارزیابی ها : درس ۵

۱- زبان ایرانیان پیش از اسلام که ریشه و مادر زبان امروز ایران است. «پارسی» یا «فارسی» نامیده می شد. زبان هایی که در ایران و مناطق هم جوار آن، از قدیم ترین روزگاران متداول بوده است. ویژگی های مشترکی دارند. این مجموعه زبان ها را «گروه زبان های ایرانی» می نامند. از نظر تاریخی، زبان های ایرانی را به سه دسته عمده تقسیم می کنند: فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی نو.

۲- پس از برافتادن ساسانیان، طاهریان نخستین دولت اسلامی ایران بودند. ادبیات فارسی دری هم به مفهوم واقعی خود، تقریباً همزمان با این دولت پدید آمد. «دری» زبان درباری ساسانیان، زبان محاوره و مکاتبه مقامات دولتی بوده است.

۳- شرقی-غربی / شرقی : شمالی - جنوبی / غربی: شمالی (پهلوانیک) جنوبی (پارسی میانه)

پاسخ خود ارزیابی ها: درس ۶

۱- یعقوب لیث صفاری نه با زبان عربی آشنایی داشت و نه اجازه داد تا این زبان در دستگاه حکومت او به کار رود؛ به همین سبب، زبان فارسی دری که خود می فهمید و با آن سخن می گفت، زبان رسمی قلمرو خود اعلام کرد. در پی آن، دولت سامانی، آل بویه و حکومت های کوچک دیگر پدید آمدند و زبان فارسی دری، فرصت و امکان یافت تا به عنوان زبان رسمی شناخته شود و در فضای ادبی، سیاسی و علمی رشد یابد. در زمان سامانیان، بخارا عمده ترین مرکز فرهنگی به شمار می آمد و بسیاری از دانشمندان که در این شهر می زیستند، آثار ارزنده ای به پارسی و عربی، در قلمرو فرهنگ اسلامی پدید آوردند. بعضی از امیران سامانی، خود، صاحب فضل و ادب بودند. آنها شاعران فارسی گوی را تشویق می کردند و مترجمان را به ترجمه کتاب های معتبری به نثر فارسی بر می انگیزتند. با شکست سامانیان سلسله غزنوی در سال ۳۵۱ هجری در شهر غزنه تشکیل شد. غزنویان نیز برای ماندگاری حکومت نوپای خود ناگزیر شدند زبان پارسی را رواج دهند.

۲- نثر هم مانند شعر پارسی، رواج یافت و رونق گرفت و کتاب هایی در موضوع های گوناگون به زبان دری پدید آمد. نثر این دوره، ساده و روان است و بیشتر به موضوع های حماسی، ملی و تاریخی توجه دارد و هنوز آوردن اصطلاحات علمی و اشعار و امثال در آن رایج نبوده است. شاهنامه ابو منصور، ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی.

۳- شعر پارسی در این دوره به دست رودکی، بنیاد نهاده شد؛ به همین سبب او را «پدر شعر فارسی» نام نهاده اند. رایج ترین انواع شعر فارسی در این دوره، «حماسی»، «مدیحی» و «غنایی» بود. حماسه ملی ایران و شعر حماسی با فردوسی به اوج رسید. شعر مدحی یا مدیحه سرایی نیز که از آغاز ادب فارسی به پیروی از شعر عربی معمول گشت. شعر غنایی با دو شاعر مشهور، رودکی و شهید بلخی، قوت و استحکام یافت. شعر حکمی و اندرزی (تعلیمی) هم در این دوره به وجود آمد ولی در دوره سلجوقیان به پختگی رسید. آوردن موعظه و نصیحت در شعر پارسی از آغاز قرن چهارم معمول گردید. داستان سرایی و قصه پردازی و آوردن حکایت ها و مثل ها نیز در شعر این دوره آغاز گشت.

۴- دانش آموزان با توجه به میزان درک و دریافت خویش از آموزه های درس، این فعالیت را می بایست انجام دهند. فایده ی این گونه تمرین ها، تبدیل کردن سواد خوانداری و حافظه بنیاد به سواد بصری است. این کار بر ژرفایی و تعمیق آموخته ها کمک می کند.

پاسخ خودارزیابی ها: درس ۷

۱- دارای قافیه و ردیف ساده است: استفاده از واج آرایی «ن»، واژه آرایی: سخن، بود / تلمیح به باور گذشتگان

زبانی : سادگی زبان شعر / کمی لغات عربی / استفاده از لغات کهنه و مهجور (بسود - انبان)

۲- نثر دوره غزنوی:

- ۱- افزایش کلمات عربی نسبت به دوره قبل (سامانی)
- ۲- توصیفات جزئی و فراوان
- ۳- به کاربردن «ب» اول افعال (برفتم، بخواند، بیاورد)
- ۴- به کاربردن را در معنی هنگام چهاردهم صفر را
- ۵- به کاربردن را به معنی برای : مرا حکایت کردند
- ۶- جمله های کوتاه.

۳- نثر غزنوی:

- ۱- افزایش کاربرد لغات عربی
- ۲- کاربرد «اندر» به جای «در».
- ۳- جا به جایی اجزای جمله: رسولی آمد از روم.
- ۴- به کاربردن کلماتی امروزه رواج کمتری دارند: طیره، بارداد، خدایگان
- ۵- کاربرد «ب» اول فعل ماضی ساده.

پاسخ خودارزیابی‌ها: درس هشتم

۱- موضوع قابل توجه در شعر نیمه دوم قرن ششم، علاقه مندی شاعران به سرودن غزل‌های لطیف و زیباست. انوری و هم‌سبکان او در آوردن مضامین دقیق در غزل بسیار کوشیدند. تحولی که سنایی و انوری در غزل ایجاد کردند، باعث شد که در قرن هفتم، شاعران بزرگی در غزل ظهور کنند و این نوع از شعر فارسی را به اوج برسانند. در شمال غرب ایران دسته‌ای از شاعران ظهور کردند که کار آنان در ادب فارسی، تازگی داشت. این دسته که شاعران معروف آذربایجان بودند (خاقانی، نظامی و...) سبک شعر فارسی را از آنچه در دیگر نواحی ایران یا پیش از آنان رایج بود، متمایز ساختند. سبک شعر در نیمه دوم قرن ششم و اوایل قرن هفتم متحول شد و عمدتاً با شیوه شاعری پیش از آن، متمایز گردید و مقدمه ظهور «سبک عراقی» در شعر فارسی شد. شعر این دوره از نظر سبک گویندگی و موضوع، تنوع یافت و در شاخه‌ها و رشته‌هایی همچون مدح، هجو، طنز، وعظ و حکمت، داستان سرایی، تغزل و حماسه به کار گرفته شد. تحول روحی و معنوی سنایی، آغازی برای دگرگونی عمیق در شعر فارسی گردید. آن چنان که به پیروی از وی بسیاری از شاعران به تصوف و عرفان روی آوردند و از جمله شاعرانی بزرگی چون عطار و مولوی ظهور کردند. با خروج شعر از دربارها و ورود آن به خانقاه‌ها دامنه موضوعات آن، گسترش یافت. حکمت و دانش و اندیشه‌های دینی نیز در شعر این دوره، تأثیری عمیق بخشید و جزئی از مضامین شعری شد.

۲- دوره اول:

- ۱- سادگی فکر و روانی کلام در شعر است
- ۲- شاعران بیش‌تر به واقعیت بیرونی نظر داشتند
- ۳- آوردن ترکیب‌های تازه، تشبیهات گوناگون و به کارگیری انواع توصیف از خصیصه‌های دیگر شعر این دوره است.

دوره دوم:

- ۱- تا حدود نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم، شعر پارسی همچنان تحت تأثیر سبک دوره سامانی و غزنوی است، یعنی سخن شاعرانی چون ناصر خسرو قبادیانی یادآور سروده‌های سخنوران قرن چهارم است.
- ۲- گروهی از شاعران این دوره، در عین تقلید از پیشینیان، هر یک ابتکارات و نوآوری‌هایی دارند که باعث دگرگونی و تحول در سبک سخن فارسی شد.
- ۳- تأثیر پذیری برخی از شاعران از ادبیات عرب و مضامین شعری آن بوده است.
- ۳- گسترش عرفان و تصوف، شکل‌گیری دولت سلجوقی و بهره‌گیری از دبیران و نویسندگان تربیت یافته در خراسان و عراق؛ چنان که کم‌تر نامه و منشور و فرمانی به زبان عربی نگاشته می‌شود و بدین سان مجموعه‌های مشهوری از متون نثر پارسی پدید آمد.
- ۴- این فعالیت تولیدی در اصل فرصتی است برای پرورش مهارت طراحی ذهنی و نگارش متن که معمولاً دانش‌آموزان در تهیه‌ی روزنامه‌های دیواری، چنین تجربه‌هایی دارند؛ این گونه دست‌ورزی‌ها تجربه‌های یاددهی - یادگیری مناسبی است که خلاقیت و قدرت آفرینش و تولید زبانی در دانش‌آموزان را رشد می‌دهد.

پاسخ خودارزیابی‌ها: درس نهم

۱-الف) ۱- قالب شعری مثنوی ۲- رواج داستان سرایی ۳- توجه بیشتر به آرایه های ادبی ۴- خوش آهنگی شعر نسبت به سبک دوره اول

ب) ۱- کاهش سادگی و روانی کلام (حرکت به سوی دشواری)

۲- اطناب (توصیفات فراوان)، رواج نثر داستانی - تمثیلی، استفاده از ترکیبات دشوار (کلیله و دمنه)

کارگاه تحلیل فصل دوم

۱- شعر رودکی: ۱- زبان شعر ساده و نرم ۲- سادگی و کوتاهی جمله ها ۳- وجود واژگان کهن: خنگ، زی ۴- کمی واژگان غیرفارسی

شعر منوچهری: ۱- سادگی، کوتاهی جمله ها ۲- وجود واژگان کهن: خمیگی، فرو هل، محمل، نماز شام، تبیره زن. ۳- زبان شعر ساده

۲- تاریخ بلعمی: ۱- بهره گیری از تلمیح ۲- بهره گیری از تکرار

اسرارالتوحید: ۱- بهره گیری از موسیقایی حروف ۲- بهره گیری از مراعات نظیر: درزی- ندوزد- قبا ۳- بهره

گیری از کنایه: گلیم سیاه کنایه از بدبختی ۴- سادگی
مرزبان نامه: ۱- بهره گیری از کلمات هم وزن و هم آهنگ: مشکور، مقبول، میرور ۲- بهره گیری از تشبیه: غرقاب فنا، پیرایه عفاف، آبکینه امل، استفاده از استعاره: دیوار فراغت

۳- گرشاسپ نامه: قلمرو فکری: شعر در ظاهر توصیف یک شهر زیبا است در پایان به بیان اعتقادات و باورهای مردمی پرداخته است. (عینی، طبیعت گرا)
آغازی: موضوع عینی و طبیعت گرا است. تشبیه برف به کبوتری که از ترس باز راهش را کم کرده است. (طبیعت گرا و عینی است.)

انوری: ۱- ذم شبیه به مدح است ۲- عینی است ۳- طنز است.

پاسخ خودارزیابی ها: درس ۱۰

۱- رودکی: وزن و آهنگ این سروده با محتوا تناسب دراد از وزنی نرم و لطیف بهره برده است.

بوی جوی مولیان آید همی

سعدی: وزنی طرب انگیز و نرم و لطیف است. شاعر با این وزن لطیف احساس خود را به معشوق بیان می کند

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می رود

حافظ: وزن شعر ریتمی و تند است.

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل

فردوسی: وزن و آهنگ تند و ضربی

بیا تا همه دست نیکی بریم

سعدی: شعر خود را با وزنی در آمیخته که حالت شادی و نشاط درونی او را به خواننده منتقل می کند. وزن ضربی و طرب انگیز است و شادی را منتقل می کند. (شاعر شعر خود را با وزنی در آمیخته که حالت هم سویی وزن و عاطفه بر قدرت اثر گذاری افزوده است

ای مهر تو در دل ها، وی مهر تو بر لب ها

۲- سعدی: وزن طرب انگیز و شاد است و حالت خشنودی را به خواننده منتقل می کند.

ای نفس خرم با د صبا

فدایی: وزن سنگین، حال و هوای سوگ و غم را به ذهن تداعی می کند، شاعر شعر خود را با آهنگی سنگین در آمیخته است که حالت غم و اندوه خود را به خواننده منتقل می کند.

زین درد، خون گریست سپهر و ستاره هم

مولوی: وزن و آهنگ تند و طرب انگیز است و شاعر حالت شوق و هیجان را به خواننده منتقل می کند.

معشوقه به سامان شد، تا باد چنین بادا
حافظ: وزن آرام و نرم و لطیف آتس و شاعر طلب یاری از باد صبا واسطه عاشق و معشوق است.

(در شعر حافظ وزن ها نرم و متناسب و میان آن با معنی و محتوا تناسب کامل است جایی که اظهار شادمانی است وزن ضربی و طرب انگیز و آن جایی که غم و اندوه است برعکس وزن سنگین و غم انگیز می باشد).

حال دل با تو گفتم، هوس است

ناصر خسرو: حالت پند و اندرز را به خواننده القا می کند.

دیو پیش توست پیدا، زو حذر بایدت کرد

منوچهری: حالت نارضایتی شاعر از دنیا را مطرح می کند.

جهانا چه بدمهر و بدخو جهانی

پاسخ خودارزیابی ها: درس یازدهم، هماهنگی پاره های کلام

۱- واژه های مصراع اول را می نویسیم سپس به صورت هجایی و مشخص کردن واج ها

نَشايد ← نَ / شا / يَد ← ن: ن (صامت) + (مصوت کوتاه)

شَا: ش (صامت) + ا (مصوت بلند)

يَد: ي (صامت) + (مصوت کوتاه) + (صامت)

کِه ← ک: ک (صامت) + (مصوت کوتاه)

خوبان ← خُو / بان / ← خُو: خ (صامت) + و (مصوب بلند)

بَان: ب (صامت) + ا (مصوت بلند) + ن (صامت)

به ← ب: صامت + (مصوت کوتاه)

صحرا ← صَح / رَا / صَح: ص (صامت) + (مصوت کوتاه) + ح (صامت)

رَا: ر (صامت) + ا (مصوت بلند)

روند ← رَا / وُند / رَا: ر (صامت) + (مصوت کوتاه)

وُند: و (صامت) + (مصوت کوتاه) + ن (صامت) + د (صامت)

-۲

چُ نی نَسْت کی ها نِ پُر دَر دُ رَنج

- U - - u - - u - - u -

چ نا زی ب نا مَّ چ نا زی ب گنج

- U - - u - - u - - u -

مُطِرِ با گو یی دَ را وا زَن دُ مَس تا دَر سَ ماع

- u - - - u - - - u - - - u -

شا هِ دا در حال تْ شو ری دِ گا در ها یْ هری

- u - - - u - - - u - - - u -

نکته: هجاهای رو به سوی هم که برابر نیستند به دلیل آن است که شاعران از اختیارات شاعری استفاده کرده اند که در سال های آینده با این اختیارات آشنا خواهید شد.

نکته دوم:

هجای پایان مصراع ها همیشه بلند است اگر هجای کشیده یا کوتاه باشد بلند حساب می کنیم. ۳-ابتدا واژه های تشکیل دهنده شعر را به صورت جدا جدا می نویسیم. در بیت ۸ هجای کوتاه وجود دارد.

تا ← (بلند) رنج ← رنج (کشیده) تحمّل ← ت / حَم / مَل ۱ هجای کوتاه

نکنی ← ن / ک / نی ۲ هجای کوتاه گنج ← گنج (u -)

نبینی ← ن / بی / نی یک هجای کوتاه تا ← تا (-)

شب ← شَب (-) نرود ← ن / رَا / وُد دو هجای کوتاه

صبح ← صَبَح (u -) پدیدار ← پ / دی / دار یک هجای کوتاه

نباشد ← ن / با / شُد یک هجای کوتاه

-۴

صامت: وقت، وقار، محو، جوانی - تقوا - هوا دیو، هوس - وف - مهرورز - روان

"و"

مصوت: آهو، جادو، هوشیار، مور، روح - مفتوح - آموزگار - آرزو - کوه - ابرو - نور

صامت: یار، سیل - یاد - شیدا

" ی "

مصوت: امید - سنگین - خورشید - آیین، شیون

صامت: ماه، راه - کوه - ابله - شاه

" ه "

مصوت: آینده، نامه - جامه - خانه - قافیه - آرمیده - عارفانه - قطر -

-۵

بیت اول: الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها (حافظ)

ا ل ا یا ای ی / هس سا قی / ا در کا سن / و نا ول ها

- - - u / - - - u / - - - u / - - - - U

ک عِش قا سان / نِ مو دو ول / و لی ا ف تا / د مُش کِل ها

- - - u / - - - u / - - - u / - - - - U

بیت اول چهار بار (- - - u) تکرار شده است.

پاسخ خودارزیابی های درس ۱۲ قافیه

۱- در پیش بی دردان (رهی معیری)

واژه های قافیه: بی حاصل؛ صاحب دل

حروف مشترک قافیه: ل قاعده ۲

۲- بر سر آنم که گو زدست بر آید (حافظ)

واژه های قافیه: بر؛ سر

حروف مشترک: ر قاعده ۲

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد (حافظ)

واژه های قافیه: مشک فشان؛ جوان

حروف مشترک: "ا" "ن" قاعده ۲

مصوت و صامت

گوهر خود را هویدا کن کمان این است و بین (میزرا حبیب خراسانی)

واژه های قافیه: هویدا، پیدا

حروف مشترک: "ا"، قاعده ۱ ("آ" آخرین حرف اصلی قافیه است.)

۳- من که دست کمانداران ابرو (سعدی)

واژه های قافیه : ابرو، سو

حروف مشترک " و " قاعده ۱

آب آتش فروز (سنایی)

واژه های قافیه: آتش فروز، آب سوز قاعده ۲ (وز)

واژه های قافیه: تمنا، پیدا قاعده یک (" ا " حرف قافیه)

کی رفته ای زدل (فروغی بسطامی)

۴- در کدام بیت ردیف وجود ندارد

در بیت دوم؛ زیرا " روان " در مصراع اول با " روان " در مصراع دوم از نظر معنی متفاوت است روان در

مصراع اول به معنی " جاری " است. روان در مصراع دوم به معنی " جان " می باشد.

۵- هر یک از اصطلاحات

ای از مکارم (رشید و طواط)

بیت ذوقافینین است زیرا دارای دو قافیه پایانی است

(جهان ، آسمان)، (خیر، سپر) گلزار و باغ (مولوی)
بیت قافیه درونی دارد؛ زیرا در درون مصراع کلمات: باغ، چراغ و داغ هم قافیه اند.

یار مرا غار مرا (مولوی)

بیت قافیه درونی دارد ؛ زیرا یار ، غار ، جگر خوار و نگه دار هم قافیه اند

۶- با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

شود فاش کسی آن چه میان (ابتهاج)

الف- من و توست

ب- میان، نامه رسان

پ - حروف مشترک : ان، مصوت بلند + صامت / قاعده ۲

(۱) (ن)

۷- شعر زیر را از نظر

چون شعر سید حسن حسینی، شعر نو است بنابراین تمام مصراع ها قافیه ندارد.

فقط شش مصرع قافیه دارد و طول مصراع ها برابر نیست.

" جام " ، " کلام " و " نام " هم قافیه اند.

هم چنین : " نهفتن " ، " گفتن " و " شکفتن " نیز هم قافیه اند. ولی در غزل مهر و وفا آخر تمام مصراعهای

زوج قافیه دارد (در بیت اول قافیه در هر دو مصراع وجود دارد) و طول مصراع ها برابر است .

پاسخ خودارزیابی های درس سیزدهم وزن شعر فارسی

فعالیت دانش آموزی . در حل این تمرین باید به تلفظ دقت شود . و هر آنچه که تلفظ می شود نوشته شود و

۱ - حروفی که به تلفظ نمی آید نوشته نشود.

۲-

چون ندیدی دمی سلیمان را تو چه دانی زبان مرغان را "سنایی"

پاسخ

چُن اَن اَدی اَدی اَد / اَد می اس اَلی اَمان ا را

ت ا چ ا د ا ن ی ا ز ا ب ا ن ا م ر ا غان ا را

- / - / u / - / - / u / u

در مصراع اول " رکن اول " شاعر از اختیارات شاعری استفاده کرده است. رهایی ، لانه ، خویشتن شناسی ، محبت ، دلنوازان ، ، نیکو ، خواهش ، رهرو بزرگراه ، بنفشه ، ملامت ، ، التماس ، خود ، سفینه ، چون ، پشوانه ، ، روزنه ، خواستن ، موذن ، ، کاشته، راهوار ،

پاسخ :

خویشتن شناسی: خیش / تن ش / نا / سی

رهایی : ر / ها / یی

- / - / u - / U / -

- / - / u

لان: - / u

و ...

۴-

واژه	با حذف همزه	بدون حذف همزه
سرآمد	سرآمد	سرآمد
دل انگیز	دلنگیز	دل انگیز
جنگ آور	جنگاور	جنگ آور
شب آهنگ	شباهنگ	شب آهنگ
شیر افکن	شیر فکن	شیر افکن
دارآباد	دارآباد	دارآباد

ص / ب ا ب ا ط ا ف ا ب ا گ و ا ن ا غ ا ز ا ل ا ر ع ا ن ا ر ا

- / - / - / u / - / u / - / - / u / u | - / U / - / u

ک ا س ا ب ا ک و ا ه ا ب ا ی ا ب ا ن ا ت ا د ا د ا ا ی ا م ا ر ا

- / - / - / u / - / u / - / - / u / u | - / U / - / u

بش ن از نی چن ح کا یت می ک ند

از ج دا بی ها ش کا یت می ک ند

_ u _ _ _ u _ _ _ u _

با مَن بگو تا کیستی مهری بگو ماهی بگو / خابی خیالی چیستی اشکی بگو آهی بگو

با مَن ا ب ا گ و ا ت ا ک ی ا س ا ت ی ا م ه ا ر ی ا ب ا گ و ا م ا ه ی ا ب ا گ و

- / u / - / - / - / u / - / - / - / u / - / - / - / u | - / -

خا بی ا خ ا ی ا ل ی ا چ ی ا س ا ت ی ا ا ش ا ک ی ا ب ا گ و ا آ ا ه ی ا ب ا گ و

- / u / - / - / - / u / - / - / - / u / - / - / - / u | - / -

دولت عشق بین ک چن از سر فخر افتخار / گو شی تاج سلطنت می شکند گدای ت

دو ال ا ت ا عِش ا ق ا ب ی ن ا ک ا چ ن ا ز ا س ا ر ا ف خ ا ر ا ف ا ت ا خ ا ر

- / u / - / - / u / - / u / - / - / u / - / u / u | - / -

گو ا ش ا ی ا ت ا ج ا س ل ا ط ا ن ت ا م ی ا ش ا ک ا ن د ا ک ا د ا ا ی ا ت

- / u / - / - / - / u / u / - / - / u / u | - / - / u / u | -

" هجای پایانی شعر همیشه بلند است بنابراین هجای پایان مصراع اول که کشیده (u -) است هجای بلند

حساب می کنیم و هجای پایانی مصراع دوم را که کوتاه (u) است نیز بلند حساب می کنیم.

-۶

ه ر ا ک ا ت ا م ا م ل ا ن ا ک ا ن د ا د ر ا ج ا و ا ب

- / u / u / - / - / u / - / - / u | -

بی ا ش ا ت ا ر ا ا ی د ا س ا خ ا ن ش ا ن ا ص ا و ا ب

- / u / - / - / u / u / - / - / u / u | -

چَن اِد اَبُر اِسی اِز اَمَن اِچی اِس اَتَم اَمَن

- / - / u / - / - / u / - / - / u / -

نی اِس اَتَم اِنی اِس اَتَم اِنی اِس اَتَم اَمَن

- / - / u / - / - / u / - / - / u / -

در مصراع اول: دو هجای کشیده (u -) : چَن: د و چیس

در مصراع دوم: ۳ هجای کشیده (u -) : نیس: سی، نیس در بیت ۵ هجای کشیده وجود دارد.

کارگاه تحلیل فصل ۳

۱- ای آن که (رودکی)

پاسخ: وزن و آهنگ با محتوا تناسب دارد. فضای حاکم بر شعر عاطفی است.

وزن سنگین و غم انگیز است.

بیا تا گل بر افشانیم (حافظ)

وزن ضربی و شاد است.

این مطرب از کجاست (سعدی)

پاسخ: وزن آرام، نرم، لطیف است.

جامی است که عقل (خیام)

پاسخ: وزن آرام و سنگین است

خروشید کای فرخ اسفندیار (فردوسی)

پاسخ: وزن آهنگ کوبنده، تند و ضربی، با بار حماسی است.

[وزن و آهنگ هماهنگی دارد.]

وقت را غنیمت دان (حافظ)

پاسخ: وزن ضربی و تند است.

۲- نمونه های زیر را بخوانید ...

اشعاری که در یک گروه قرار می گیرند (مفاعیلین)

پاسخ: فلک جز عشق محرابی ندارد نظامی

نخستین با ده کاندر جام کردند عراقی

شب تاریک و بیم موج و گردابی حافظ

اگر آئینه رویی در نظر می داشتیم صائب صائب

روان شد اشک یاقوتی ز راه دیدگان مولوی

اشعار ی که در یک گروه قرار می گیرند. (فاعلاتن)

یاد ایامی که در گش ضحانی داشتم رهی

کی شکیبایی تو ان کردن چو عقل از دست رفت سعدی

دوستان گویند سعدی خیمه بر گلزار زن سعدی

اشعاری که در یک گروه قرار می گیرند (فعولن)

همی گویم و گفته ام بارها (علامه طباطبایی)

به نام خداوند جان و خرد (فروسی)

یکی تشنه می گفت و جان می سپرد (سعدی)

اشعاری که در یک گروه قرار می گیرند. (مستفعلن)

آن کیست کز روی کرم با من وفاداری کند

ای ساریان آهسته ران کارام جانم می رود

۳- الگوی هجایی حروف قافیه را در ادبیات زیر بنویسید

پرسیدم از هلال (فدایی)

پاسخ: واژه های قافیه: خَم و ماتم

حروف قافیه: م

الگوی هجایی: مصوت کوتاه (َ) + صامت (م)

- بسی تیر و دی (سعدی)

- پاسخ: واژه های قافیه: اردیبهشت و خشت

- حروف قافیه: شت

- الگوی هجایی: مصوت کوتاه (َ) + صامت (ش) + صامت (ت)

- بوی بهار آمد (سعدی)

پاسخ: واژه های قافیه : نفس و قفس

حروف قافیه: س

الگوی هجایی : مصوت کوتاه () + صامت (س)

صد شکر گویم (قآنی)

پاسخ: واژه های قافیه: جام و نام

حروف قافیه : ام

الگوی هجایی: مصوت بلند (ا) + صامت (م)

۴-تقطیع هجایی ابیات زیر را انجام دهید

اگر کاری کنی مزدی ستانی چو بیکاری یقین بی مزد مانی

اگر کاری کنی مزدی ستانی

چو بی کاری یقین بی مزد مانی

__ U __ __ U __ __ U

کی رفته ای ز دل که نمنا کنم تورا کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را
- U - U - - u U - U - U - -

آینه ار نقش تو بنمود راست خود شکن آینه شکستن خطاست

- U- - UU - - UU -

- بر سر آنم که گر ز دست برآید دست به کاری زخم که غصه سرآید

-- UU - U -U - - UU -

بادآورده: u ___ ___ با دا و ر د حذف نشده

u ___ ___

پلنگ افکن: u_ u ___ پَ لَن گ ا ف کَن حذف نشده

U _ u

دانش آموز: u ___ ___ دا نِش آ مو ز حذف نشده

u

گل اندام u ___ ___ گل آن دا م حذف نشده

u ___ ___

پیام آور u _ _ _ پَ یا ما وَر حذف شده است
 U
 خوش اندام u _ _ u خُ شَن دا م حذف شده است
 U _ _ u
 کارآموده کا را ز مو دِ حذف شده است

پاسخ خودارزیابی های درس چهاردهم

-۱

پاسخ: تکرار واج: صامت "چ"، "خ"، "ر"، "س"

پاسخ: تکرار واج: صامت "س"، "ن". مصوت: ۲

نکته: آنچه در تکرار اهمیت دارد جنبه موسیقایی و آوایی واج است نه شکل نوشتاری حرف؛ مثلاً "س" و "ص" هم آوا هستند تفاوت املایی "س" با "ص" تاثیری ندارد.

و

۲- در اشعار زیر، آرایه تکرار (فقط واژه آرایه) را بیابید:

پاسخ: تکرار واژه: امروز، فردا

و

۳- مراجعه به دیوان های شعری و دیگر منابع، یکی از راهبردهای موثر یادگیری است که دانش آموزان به طور عملی با متن ها آشنا می شوند، ره آورد آشنایی با منابع، ایجاد فرصت و فراهم شدن درنگ و تأمل در متن است و مرجع شناسی را رشد می دهد. پاسخ به تمرین ها هم فرع بر این موضوع هاست که در پی این فرایندها حاصل می شود.

پاسخ خودارزیابی های درس پانزدهم

پاسخ: کلمات: کوشیدن و جوشیدن، سجع متوازی دارند زیرا دو واژه با هم وزن و در حرف پایانی یکسان

هستند.

پاسخ کلمات: "زندگانییم و آبادانییم" سجع متوازی دارند، زیرا دو واژه با هم وزن و در حرف پایانی یکسان

اند.

کلمات: آبادانییم و شادانییم سجع مطرف دارند زیرا، در حرف پایانی یکسان هستند.
 پاسخ کلمات: "نهفتنی و گفتنی"، سجع مطرف دارند، زیرا در حرف پایانی یکسان اند. کلمات "پیمودنی و

نمودنی" سجع متوازی دارند زیرا هم وزن و در حرف پایانی یکسان است.

پاسخ کلمات: "جهان، آسمان" سجع مطرف دارند.

کلمات: "دهانم و جانم" سجع مطرف دارند.

- ۲

بله، زیرا کلمات آخر قرینه ها "زیبنده و در خورنده" سجع مطرف دارند (فقط در حرف پایانی یکسان اند).

- ۳

پاسخ: واژه های سجع: "مردن و بردن"

وجه اشتراک آن ها: ۱- هم وزن ۲- در حرف پایانی یکسان

پاسخ: بخورد و بدهد (دارد و بنهد)

پاسخ: کلمات: "غایت و نهایت" سجع مطرف دارند، زیرا در حرف پایانی یکسان هستند.

پاسخ، کلمات: "زیبا، دیبا" سجع متوازی دارند.

پاسخ: کلمات: "خار و خال" سجع متوازن دارند.

پاسخ: کلمات: "بی شمار و بی حساب" سجع متوازن دارند

کلمات: "متین و کریم" سجع متوازن دارند.

پاسخ کلمات: "زنده و ستوده" سجع مطرف دارند

کلمات: "زنده و مرده" سجع متوازی دارند.

پاسخ کلمات: "فروآرد و دارد" سجع مطرف دارند.

پاسخ کلمات: "نگیرد و نمیرد" سجع متوازی دارند، این نوع سجع که کلمات مسجع هم وزن اند و واج پایانی آن

ها یکسان است. ارزش موسیقایی اش از همه بیش تر است.

کلمات: "مقسوم و معلوم"

کلمات: "ترسد و برسد"

کلمات: "نگیرد و آید" سجع مطرف دارند (فقط در واج پایانی یکسان اند) ارزش موسیقایی این نوع سجع از

سجع متوازی کمتر است.

پاسخ خودارزیابی های درس شانزدهم "موازنه، ترصیع"

در بیت آرایه موازنه به کار رفته است. زیرا واژه های دو قرینه (دو مصراع) هم وزن اند. (موازنه تقابل سجع های

متوازن یا متوازی در دو یا چند جمله است.)

در بیت آرایه موازنه به کار رفته است زیرا واژه های (گرز و تیغ)، (خورشید و بهرام) سجع متوازن اند و واژه

های (گریان و بریان) سجع متوازی اند.

در بیت آرایه موازنه وجود دارد. همه کلمات " مصراع اول با کلمات مصراع دوم" هم وزن اند. واژه های (جفا و

وفا)، (پل و گل) و (شکستگی و فشاندی) سجع متوازی اند و (عاشق و دشمن) سجع متوازن اند.

در بیت آرایه موازنه به کار رفته است. چون تمام کلمات مصراع اول با کلمات مصراع دوم جز کلمه های تکراری

- سجع متوازی اند یعنی علاوه بر هم وزنی، در واج پایانی نیز یکسان اند.

در بیت موازنه به کار رفته است.

تمام کلمه ای مصراع اول با دوم به جز "بلای" ، "جفای" سجع متوازن اند این تقابل سجع ها افزایش دهنده

موسیقی شعر است.

پاسخ: در بیت آرایه موازنه وجود ندارد.

زیرا به جز کلمات تکراری - کلمات " نشاط و سرود" و "امید و سرور" سجع متوازن اند.

در بیت آرایه موازنه وجود دارد زیرا ، کلمات "نظر، نفس" و "عرض، حرف" و "نقل، چنگ" سجع متوازن اند.

در بیت آرایه موازنه به کار رفته است؛ زیرا واژه های (دنیا، عالم) سجع متوازن دارند و بقیه واژه ها سجع متوازی اند.

در بیت موازنه وجود دارد.

زیرا کلمات "دل، جان" سجع متوازن اند بقیه سجع متوازی اند.

و ...

در بیت آرایه ترصیع به کار رفته است، زیرا واژه های مصرع اول با مصرع دوم (بالایم، دریابیم) ، (بالا، دریا) با

یکدیگر سجع متوازی دارند

ترصیع: موازیه ای که همه سجع های آن متوازی باشند ترصیع نام دارد.

دانه باشی مرغکانت برچنند غنچه باشی کودکانت برکنند

در بیت آرایه ترصیع به کار رفته است

پاسخ: خوشا / چون / سروها / استادنی / سبز



خوشا / چون / برگ ها / افتادنی / سبز

در بیت آرایه موازنه به کار رفته است.

توضیح موازنه ای است که تمام سجع های آن متوازی اند.

نکته: در بیت ها و جمله هایی که سجع های متوازی و متوازن در مقابل هم قرار می گیرند آرایه موازنه موجود

است زیرا توضیح زمانی پدید می آید که همه سجع ها متوازی باشند.

۳-

پاسخ:

ب- چون تمام سجع های این موازنه ، متوازی اند، بعضی علاوه بر هم وزنی، واج های پایانی آن نیز یکسان است.

ما بردن را ننگریم و قال را



ما درون را بنگریم و حال را

ارزش موسیقایی سجع متوازی از همه بیشتر است.

۴-

پاسخ: بهاری کز دو رخشارش همی شمس و قمر خیزد



نگاری کز دو یاقوتش همی شمس و شکر ریزد

تمام کلمات (به جز کلمات تکراری) مصرع اول با قرینه ی خود در مصرع دوم سجع دارند. این تقابل سجع ها

افزایش دهنده موسیقی درونی شعر است (تمام سجع ها متوازی فقط شمس و قمر متوازن می باشد).

روشنی روز تویی ، شادی غم سوز تویی

ماه شب افروز تویی، ابر شکر بار، بیا

(مولوی)

شاعر هر بیت را به چهار قسمت تقسیم کرده و در پایان سه قسمت از آن واژه هایی را آورده است که با هم سجع

مطرف دارند؛ روز و غم سوز و شب افروز سجع مطرف اند. این طریق رایج ترین شیوه کاربرد سجع در شعر است

که امروزه سجع را در شعر قافیه درونی می نامند.

ما چو نایبیم و نوا در ما ز توست

ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست

(مولوی)

پاسخ: ما چو ناییم و نوا در ما ز توست



ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست

کلماتی که رو به روی هم قرار گرفته اند (به جز کلمات تکراری)

سجع متوازی اند، یعنی علاوه بر هم وزنی، واج های پایانی آن ها نیز یکسان است.

پاسخ خودارزیابی های درس هفدهم: جناس، انواع جناس

پاسخ: واژه های خدایی و جدایی جناس ناهمسان اختلافی دارند تفاوت در حرف اول خ، ج
پاسخ: واژه گور در مصراع اول با "گور" در مصراع دوم جناس تام یا همسان دارند. گور در مصراع اول به معنی
گورخر و در مصراع دوم به معنی "قبر" است.

و

پاسخ: واژه های "مهر و مهر" جناس ناهمسان حرکتی دارند تفاوت در مصوت های کوتاه "م" و "می" می باشد.

و

پاسخ: واژه های آرام و رام جناس ناقص افزایشی دارند آرام یک حرف بیش تر در آغاز دارد.
پاسخ: واژه های یار و دیار جناس ناقص افزایشی دارند. دیار یک حرف بیش تر در آغاز دارد.

نکته:

"م" در واژه یارم "یک واژه مستقل محسوب می شود.

پاسخ: واژه های نظم و ناظم اشتقاق دارند حروف صامت مشترک: ن ظ م می باشد. واژه های شاعر و شعر جناس

هم ریشه یا اشتقاق دارند دو واژه شاعر و شعر در سه صامت ش ع مشترک اند این اشتراک صامت هم از هم

ریشه بودن واژه هاست

پاسخ: دو واژه محب و محبت جناس اشتقاق دارند در سه صامت "م، ح، ب،" مشترک اند.

دو واژه ی همی زیم و زند اشتقاق دارند در دو صامت "ز، ن" مشترک اند این اشتراک صامت ها از هم ریشه

بودن واژه ها است.

۲- طراحی این گونه پرسش ها با هدف برقراری ارتباط افقی میان درس ها و تلفیق آموخته ها انجام می گیرد.

پاسخ به این پرسش، مستلزم درک آموزه های درس و تشخیص و بازیابی مصادیق و تعمیم آن در حوزه های

دیگر است و مهارت های ویژه ی کالبد شناسی و کالبد شکافی متن ها به خوبی فراگیرد.

پاسخ فعالیت کارگاه تحلیل فصل ۴

پاسخ: چَش مِ دِلِ با زِ کُنِ کِ جانِ بی نی

— — — — — u — — — — — u — — — — — u — — — — —

۲- به عنوان نمونه پاسخ: تکرار واژه: پریدیم : ۲ بار

۳- به عنوان نمونه پاسخ: چراغ و داغ: سجع مطرف دارند

..... یاد نام یاد و نام سجع متوازن دارند

پاسخ: به جای واژه نام هر واژه ای را که با نام هم وزن باشد و حرف پایانی یکسان باشد می توانیم بگذاریم، مثلا:

۴- شام، تام، سام، خام، جام، دام، رام و

پاسخ: خار، خاره: جناس ناهمسان (افزایشی)

۵- و ...

پایان

تهیه کننده: شفیع سرگروه زبان و ادبیات فارسی لارستان - شهریورماه ۱۳۹۵